

پارامترهای سیاسی - امنیتی موثر بر افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان به ایران؛ با تاکید بر منطقه خودمختار نخجوان

هادی اعظمی^۱ - محسن سلطانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۱

چکیده

وابستگی کشورها به همدیگر در عرصه‌های مختلف، بر وزن ژئوپلیتیکی و نوع رفتار آنها در عرصه بین‌المللی تاثیر فراوانی دارد. جمهوری خودمختار نخجوان به‌عنوان بخشی از کشور آذربایجان، توسط دالان زنگرورمگری ارمنستان از سرزمین مادری جدا افتاده است و پس از جنگ قره‌باغ، تنها راه ارتباط زمینی بین نخجوان و جمهوری آذربایجان، استفاده از خاک ایران است. با توجه به روابط امنیتی و چالش‌های فراوانی که در طی سالیان گذشته بین دولت آذربایجان و ایران بوجود آمده است و همچنین با توجه به عدم پیوستگی جغرافیایی این کشور با واحد برونگان خود (نخجوان)، که از بزرگترین مشکلات استراتژیکی این کشور می باشد، باید با افزایش سطح وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران، نوع روابط دو کشور آذربایجان و ایران را تغییر داد. از نگاه کارشناسان، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین استان‌های مرزی شمال غربی ایران با نخجوان، تلاش به منظور کاهش نفوذ قدرت منطقه‌ای ترکیه در آذربایجان (نخجوان)، استفاده از اشتراکات مذهبی به‌عنوان یک عامل سیاسی برای افزایش روابط، موثرترین عوامل برای افزایش وابستگی نخجوان به ایران در بعد سیاسی - امنیتی هستند.

واژگان کلیدی: وابستگی ژئوپلیتیکی، آذربایجان، جمهوری خودمختار، نخجوان، ایران

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی. دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) sorena_698842@yahoo.com

aazami@um.ac.ir

مقدمه

در این پژوهش اشاره شده است که داشتن مناطقی تحت عنوان مناطق برونگان، در نوع رفتار بین‌المللی یک کشور بسیار مهم تلقی می‌شود و زمینه را برای وابستگی یک کشور به سایر کشورها؛ برای برقراری ارتباط با واحد جدا افتاده خود، فراهم می‌کند. عدم پیوستگی جغرافیایی با نخجوان از مهمترین مشکلات ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان پس از مسئله قره باغ می‌باشد. پس از جنگ ۱۹۸۸ قره باغ و قطع ارتباط زمینی مستقیم بین نخجوان و خاک اصلی از طریق خاک ارمنستان، تنها راه ارتباط زمینی آذربایجان با واحد برونگان خود، استفاده از فضای سرزمینی ایران است. از زمان استقلال این کشور در ۱۹۹۰، علی‌رغم وجود اشتراکات فراوان دینی، زبانی، فرهنگی و تاریخی، چالش‌های متعددی بین دو کشور بوجود آمد که تبعاتی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی - امنیتی و فرهنگی برای ایران به همراه داشته است. با توجه به وابستگی این کشور به ایران برای برقراری ارتباط با نخجوان و نیز به دلیل عدم دورنمای روشن نسبت به بهبود روابط آذربایجان و ارمنستان و همچنین مرز کوتاه ۱۱ کیلومتری نخجوان با ترکیه که کاملاً در تیررس توپخانه ارتش ارمنستان قرار دارد، لذا افزایش سطح وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران برای ایجاد تغییری هرچند اندک در نوع مناسبات جمهوری آذربایجان با همسایه جنوبی خود اهمیت دارد. هدف و سوال اصلی پژوهش این است که چه متغیرهایی در زمینه سیاسی - امنیتی در افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران موثرند؟ و اولویت‌بندی عوامل موثر در افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران از دیدگاه صاحب‌نظران این بحث چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی - تحلیلی است که اطلاعات مورد نیاز در قالب دو بخش کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع معتبر، کتب، مقالات و بخش اطلاعات پرسشنامه‌ای بدست آمده است.

چارچوب و مفاهیم نظری

چارچوب نظری: رهیافت سازه‌انگاری

چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر نظریه سازه‌انگاری هست. از نظر این رهیافت، همانگونه که «اریک رینگمار» اشاره می‌کند، هویت‌ها منافع را شکل می‌دهند و منافع نیز سرچشمه اقدام‌ها

هستند و به کنش‌ها و رفتارها در سیاست خارجی می‌انجامند. به طور کلی رهیافت سازه‌انگاری بر سه اصل اساسی استوار است:

الف - ساختارهای نظری، فکری و هنجاری به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند و نقش موثری در کنش‌های سیاسی ایفا می‌کنند.

ب - هویت‌های سیاسی، تاریخی، مذهبی و قومی در شکل‌گیری منافع و رفتار بازیگران نظام بین‌الملل نقش انکارناپذیری ایفا می‌کنند و شامل ایجاد مرزهایی است که خود را از دیگران جدا می‌کند (Smith, 1963: 17). یک دولت، دیگران را مطابق هویت و ساختاری که برای آنها قائل است، درک می‌کند (Linkalter, 2000: 175).

پ - مفروضه سوم، تعامل ساختار - کارگزار است. سازه‌انگاران بر این باورند که ساختار و کارگزار در فرایندی دیالکتیک، یکدیگر را بازتولید می‌کنند (Price & Reus-smith, 1998: 262). در این ارتباط، قواعد، کارگزاران را بر اساس ساختارها و ساختارها را بر مبنای کارگزاران تعریف می‌کنند و با تغییر در تعداد، نوع، رابطه و محتوای قواعد، ساختاران و کارگزاران به شکل مستمر بازتولید می‌شوند (Onuf, 1989: 7). در این تعامل ممکن است نشانه‌هایی رد و بدل شوند، رویه‌هایی شکل بگیرند و کنش‌هایی صورت پذیرند که به دشمنی، احساس تهدید و ایجاد نگرشی امنیتی منجر شوند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۵۹). در گفتاری سازه‌انگاران، آنچه برداشت‌های ایران و جمهوری آذربایجان را در ارتباط با هم شکل داده و مبنای رفتار این دو در روابط متقابل خود در نخجوان قرار گرفته، عمدتاً به هویت و ساختار این دو کشور برمی‌گردد که به نوبه خود تحت تاثیر ارزش‌های ایدئولوژیک (بویژه ایران) و باورهای حاکم بر سیاست خارجی آنها قرار دارد و سایر ابعاد روابط دو طرف را نیز تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. هویت مذهبی حکومت ایران و تلاش‌های فرهنگی - ایدئولوژیک آن در آذربایجان، در ابتدای استقلال این کشور، برداشت باکو نسبت به ایران را تغییر داد و این کشور روابط خود با ایران را به عنوان یک دشمن و تهدید کننده منافع خود پی‌ریزی کرد و این مسئله تا حد زیادی نفوذ ایران را در نخجوان و همین‌طور خاک اصلی آذربایجان در سالیان بعدی محدود و متاثر ساخت.

مفاهیم نظری

جمهوری خودمختار نخجوان

جمهوری خودمختار نخجوان، قسمت برونگان کشور آذربایجان و واقع در قسمت جنوبی

منطقه قفقاز و گوشه شمال غربی ایران می‌باشد و ۵۵۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد (Zaman, 2015: 86). طبق آمار سال ۲۰۱۵ میلادی، نخجوان بالغ بر ۴۳۹۸۰۰ نفر جمعیت داشته است (بانک جهانی، ۲۰۱۵). از نظر ترکیب قومیتی، از کل جمعیت؛ حدود ۹۹/۱ درصد ترک، ۰/۱۵ درصد روس‌تبار و بقیه را سایر قومیت‌ها مانند کردها و گرجی‌ها تشکیل داده‌اند (Nakhchivan, 2005: 112).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی جمهوری خودمختار نخجوان (<https://maps.google.com>).

برونگان (برون‌بوم)^۱

مناطق برونگان سرزمین‌هایی هستند که توسط خاک کشور همسایه از کشور مادری خود جدا افتاده‌اند. دسترسی به آنها بر طبق معاهده و قرارداد است و اعمال تشریفات گمرکی به سختی صورت می‌گیرد (فیروزی و سلطانی، ۱۳۹۳: ۸۱). منطقه برون‌بوم از دسترسی به نزدیکترین بازار برای محصولات خود و نیز منابع انرژی و نیروی کار دور می‌افتد. تقویت نیروهای جدایی طلب از دیگر مشکلات این مناطق برای سرزمین مادری خود می‌باشد.

خودمختاری^۲

تعریفی که از خودمختاری می‌توان ارائه داد عبارت است از الگوی سیاسی‌ای که دارای حکومت و پارلمان محلی ویژه‌ای است و قوانین و مالیات‌ها و سیاست‌های اقتصادی ویژه‌ای را دارد اما در روابط خارجی و امور مربوط به دفاع، جنگ و صلح تابع حکومت مرکزی می‌باشد

1. Exclave
2. Autonomy

(مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۱۲). به عبارتی خودمختاری به آزادی محدود یک واحد سیاسی در اداره امور خود اطلاق می‌شود که در زمینه روابط خارجی، جنگ و دفاع تابع دولت مرکزی است. خودمختاری خود به انواع مختلفی تقسیم‌بندی شده است که عبارتند از:

الف - مطالبه‌ای: نظیر کردستان عراق. در این نوع خودمختاری یک منطقه جغرافیایی نسبتاً قدرتمند همراه با ساختار اکولوژیک پس از دوره‌ای کشمکش و با اعمال فشار به دولت مرکزی خواستار خودمختاری می‌شود.

ب - توافقی: در سایه عقلانیت و اندیشه گروهی در ساختار سیاسی بوجود می‌آید و گویای درک صحیح هیات حاکمه از تفاوت‌های جغرافیایی و مقتضیات محلی است. خودمختاری جمهوری نخجوان از آذربایجان از این نمونه می‌باشد.

پ - تفویضی: با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی و سیاسی و در چارچوب منافع ملی به بخش‌هایی از کشور اعطا می‌شود. مثل مناطق آزاد تجاری (احمدی پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

یافته‌های پژوهش

الف: یافته‌های کتابخانه‌ای

مهم‌ترین مسائل و تنش‌های موجود در روابط جمهوری آذربایجان و ایران

روابط دو کشور همواره با فراز و نشیب همراه بوده و مسائل مختلفی این روابط را در ابعاد مختلف ژئواکونومیک، ژئوکالچر، سیاسی و... تحت شعاع قرار داده است. از هنگام استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ و از زمان شروع ریاست جمهوری ایلچی‌بیگ تا دوران ریاست جمهوری الهام علی‌اف، روندی افزایشی از تنش‌های سیاسی - امنیتی در روابط این کشور با ایران وجود داشته و احضار سفرای دو کشور به وزارتخانه‌های امور خارجه به رویه‌ای عادی تبدیل شده بود. در ذیل به مهمترین عواملی که به شکل‌گیری مناسباتی نه چندان دوستانه بین دو کشور منجر شده است اشاره می‌شود:

* علاقه‌مندی بسیار زیاد این کشور برای همکاری با ناتو و عضویت در آن (پیشگاهی فرد و موسوی فر، ۱۳۸۹: ۱۱۹). بویژه از این منظر که یکی از انگیزه‌های اصلی گسترش ناتو به آذربایجان، علاوه بر تحت فشار گذاشتن روسیه، کنترل ایران می‌باشد (Cafarli, 2014: 4).

* عدم امکان مشارکت ایران در پروژه‌های استخراج انرژی و همچنین انتقال نفت و گاز آذربایجان توسط شرکت‌های چندملیتی از مسیری بجز مسیر ایران و تقویت رقبای منطقه‌ای و

فرمانطقه‌ای ایران از این طریق. مهمترین این پروژه‌ها عبارتند از: ۱- خط لوله «باکو- تفلیس- جیهان» که مهمترین تاثیر این خط لوله، محرومیت ایران از فواید سیاسی و اقتصادی فراوان عبور این خط لوله از خاک خود و شتاب بخشی به همکاری‌های استراتژیک ترکیه و آذربایجان بوده است (Starr & Cornel, 2005: 26). از دیگر پروژه‌های مهم می‌توان از: خط لوله «باکو- تفلیس- ارزروم»، خط لوله «ناباکو»، کنسرسیوم نفتی «قرن» و پروژه «ترانس- آناتولی» نام برد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۳). البته اتخاذ چنین تصمیمی برای انتقال انرژی صادراتی خود از ترکیه، به دلیل فشار بسیار زیاد دولت امریکا و در راستای سیاست (همه چیز منهای ایران) این کشور بوده است (ارجمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۴). از پروژه «قرن» در واقع نقطه شروع اختلافات ایران و آذربایجان نام برده می‌شود که در آن ایران به دلایلی که در بالا اشاره گردید، کنار گذاشته شد.

* زمینه‌سازی برای نفوذ قدرت‌های فرمانطقه‌ای و منطقه‌ای در منطقه قفقاز از جمله ایالات متحده امریکا، ناتو، ترکیه (احداث پایگاه نظامی در نخجوان و رقابت با ایران و روسیه در منطقه قفقاز)، اسرائیل (ایجاد قرینه لبنان در آذربایجان)، عربستان سعودی (باهداف گسترش اندیشه وهابیت) (جوادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۱).

نمودار ذیل مهمترین اهداف اسرائیل از حضور در آذربایجان را نشان می‌دهد:



نمودار ۲: مهمترین اهداف اسرائیل از حضور در آذربایجان (کامران و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۶-۷۲).

* حضور نزدیک قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، بویژه ایالات متحده، اسرائیل و ترکیه در آذربایجان، چالش‌های جدی امنیتی، اقتصادی و سیاسی را برای ایران به وجود آورده است. راهبرد اسرائیل در آذربایجان، همچون امریکا راهبرد، همه‌چیز منهای ایران است (Buris, 2003: 17).

* وجود جریان ملی‌گرای افراطی و دارای ایده‌های پان‌ترکی در جمهوری آذربایجان که تهدیدی بر تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شود (زهرانی و فرجی لوحه سرا، ۱۳۹۲: ۱۱۷). موضوع آرمانی آذربایجان بزرگ، همواره نقش اصلی را در مناسبات دو کشور داشته و سایر منابع تنش را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. این آرمان از سوی ۵ کانون تقویت می‌شود: ۱- ترکیه؛ ۲- دولت باکو؛ ۳- تل‌آویو؛ ۴- تصمیم‌سازان امریکا بویژه حزب جمهوری‌خواه؛ ۵- شوونیست‌های آذری استان‌های شمال غربی ایران (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۸۳). البته تا زمانی که حکومت مرکزی ایران در ابعاد نظامی و سیاسی قدرتمند است، آذربایجان از طرح این موضوع بیش از ایران آسیب‌پذیر است.

* تحریف رسمی تاریخ و تمامیت ارضی ایران در کتب رسمی جمهوری آذربایجان (Nasibu, 2012: 6).

* رقابت دو کشور در زمینه رژیم حقوقی خزر. آذربایجان ادعا دارد اتحاد شوروی در ۱۹۷۰، تمامی خط فرضی بین آستارا تا خلیج حسینقلی را بین جمهوری‌های ساحلی تقسیم کرده است لذا معتقد است کشورهای ساحل دریای خزر سهم خود را از یک منطقه در امتداد ساحلی تا خط مرکزی (خطی که فاصله برابری از هر ساحل دارد) بدست خواهد آورد. با طرح این ادعا در رابطه با رژیم حقوقی خزر، به ایران آن سهمی از خزر تعلق می‌گیرد که زیر خط مابین دو نقطه مرزی خشکی ایران یعنی آستارا تا خلیج حسینقلی است که فقط ۱۱ درصد خزر را شامل می‌شود و به شدت با خواست ایران مبنی بر محدوده ۲۰ درصدی در تعارض می‌باشد. ضمن اینکه تلاش‌های آذربایجان برای نظامی کردن خزر نیز از جمله مسائل مهم در این حوزه محسوب می‌شود (ذکی و ولیقلیزاده، ۱۳۹۳: ۵۵۲).

* ایجاد آلودگی زیست‌محیطی گسترده در خزر و ادعای مالکیت میادین انرژی ایران در دریای خزر از جمله دو میدان نفتی «سردار جنگل» و «البرز» و دعوت از شرکت‌های نفتی برای استخراج نفت قبل از شکل‌گیری رژیم حقوقی خزر (کولایی و اصولی، ۱۳۹۱: ۸۵). این مسئله گاه به برخوردهایی بین دو کشور منجر شده است؛ از جمله در سال ۱۳۸۰ دو شرکت بریتیش پترولیوم از

انگلیس و استات‌اوایل نروژ با اخطار شدید نیروی هوایی ایران دست از فعالیت در میدان البرز که به صورت یک طرفه از سوی آذربایجان به این دو شرکت واگذار شده بود، برداشتند.

* روابط نزدیک ایران با ارمنستان، بحران قره‌باغ و مواضع متناقض مسئولان ایرانی در قبال آن (بی‌طرفی متمایل به ارمنستان)، موجب بدبینی دولتمردان آذری نسبت به ایران شد که در واقع انتظار حمایت همه‌جانبه این کشور از خود در راستای اشتراکات دینی، زبانی و... را داشتند (Varun & Fitzgerald, 2012: 25). تداوم بحران مذکور می‌تواند زمینه‌ساز مداخله نظامی روسیه به حمایت از ارمنستان و همچنین حمایت ایالات متحده آمریکا و ناتو از آذربایجان گردد که این موضوع امنیت ملی ایران را هم به مخاطره می‌اندازد (Martirosyan, 2009: 2). علاوه بر آن خطر بروز درگیری مجدد در این منطقه و تبعاتی مانند گسترش بی‌ثباتی، هجوم آوارگان جنگی به کشور و دستاویز شدن برای حضور سیاسی-امنیتی آمریکا و اسرائیل در منطقه را در پی خواهد داشت (ذکی و ولیقلیزاده، ۱۳۹۳: ۵۵۵).

* پناه دادن به گروهک‌های معارض و تجزیه‌طلب. این اقدام با فشار گسترده لابی صهیونیستی صورت پذیرفته است و حتی در مقطعی بحث انتقال ساکنان اردوگاه اشرف عراق به آذربایجان مطرح شد (طالبی، ۱۳۹۲: ۶).

نگاهی به مهمترین مسائل و تنش‌های موجود بین ایران و جمهوری آذربایجان، به وضوح تاثیر منفی ناشی از تحرکات قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در جمهوری آذربایجان به چشم می‌خورد و البته در این بین، دولتمردان این کشور نیز چندان نسبت به ایجاد چالش‌های سیاسی-امنیتی و سرزمینی علیه ایران بی‌میل نیستند. در این ارتباط منطقه جمهوری خودمختار نخجوان، به‌عنوان بخش جدا افتاده جمهوری آذربایجان و با توجه به وضعیت شبه‌جنگی با ارمنستان، همچون گروگانی سیاسی نزد ایران است و ایران تمایل دارد با افزایش وابستگی نخجوان در ابعاد مختلف به خود، زمینه را برای تغییر رفتارهای سیاسی-امنیتی آذربایجان، هموار کند. حال به بررسی وضعیت مهمترین پارامترهای سیاسی-امنیتی مؤثر در این ارتباط پرداخته می‌شود.

بررسی پارامترهای سیاسی-امنیتی مؤثر بر وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان و نخجوان به ایران

الف- بررسی نقش اشتراکات مذهبی به عنوان یک عامل سیاسی در افزایش وابستگی نخجوان به ایران

اشتراکات مذهبی از مهمترین مولفه‌ها در توسعه حوزه نفوذ یک کشور در مناطق و کشورهای

ماورای قلمرو خود محسوب می‌شود که ایران می‌تواند از این عامل برای توسعه اثرگذاری خود در نخجوان استفاده کند. دین اکثریت مطلق مردم نخجوان اسلام می‌باشد و البته پیرو مذهب تشیع. دایره‌المعارف بریتانیکا جمعیت شیعیان را ۷۰/۴ درصد اعلام کرده است اما اکثر منابع پیروان تشیع را بالای ۸۰ درصد اعلام می‌کنند (عباسی، ۱۳۹۱: ۹۴).

در این رابطه، مهمترین استراتژی ایران برای نفوذ فرهنگی در آذربایجان و نخجوان، استفاده از مولفه مذهب بوده و برای این مقصود، از روحانیونی که آموزش‌های کافی دیده‌اند استفاده کرده است (Cornel, 2006: 42). اما دولتمردان آذری این فعالیت‌های ایران را تهدیدی برای حاکمیت خود می‌دانند. شیوه فرهنگی دیگر ایران برای نفوذ در این کشور به وسیله مدارس مذهبی است که در این مدارس قرآن خوانده می‌شود و ادبیات و ایدئولوژی دولت ایران تدریس می‌شود (Geybullayeva, 2012: 116). البته فعالیت‌های اکثر این مدارس به دستور دولت آذربایجان لغو شد و رئیس جمهور «علی‌اف» نیز در یک سخنرانی، رسماً از ایران خواست تلاش خود برای نفوذ مذهبی در کشورش را متوقف کند (Goble, 2012: 114). دیگر راهکارهای ایران استفاده از ابزار رسانه‌ای است، به‌عنوان نمونه شبکه تلویزیونی «سحر» که برای ساکنان آذری راه‌اندازی شده است، دارای برنامه‌هایی با مضامین و ارزش‌های اسلامی - ایرانی هستند. شبکه سحر ۲ هم به زبان روسی و آذری به پخش برنامه مشغول می‌باشد (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۱). با وجود اشتراکات مذهبی بین ایران و نخجوان، سلطه ۷۰ ساله کمونیسم در این منطقه و رواج گسترده سبک زندگی غربی در این منطقه با تبلیغات وسیعی بویژه از سوی ترکیه و در قالب آثار سینمایی و تلویزیونی و ... انجام می‌شود و از همه مهمتر ساختار سیاسی سکولار و لائیک، مانع از موفقیت ایران در استفاده از عامل مذهب برای گسترش نفوذ خود در نخجوان و آذربایجان شده است (عیسی نژاد و بشیریان، ۱۳۹۱: ۴). در تحلیلی کلی، علت اصلی عدم توفیق ایران در بهره‌گیری از عامل مذهب برای توسعه نفوذ خود در نخجوان به اصل کلی اسلام‌گرایی ایرانی در برابر لیبرال - سکولاریزم آذربایجانی‌ها برمی‌گردد (افضلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰). این اندیشه‌های متضاد سیاسی حاکم بر کنشگران ایرانی و آذری، بویژه در سطوح بالای حکومتی باعث ساختن یابی یک ساختار واگرا در روابط دوجانبه آنها شده و مانع از بهره‌گیری ایران از مذهب در روابط خود با نخجوان شده است.

ب- همکاری مشترک در رابطه با جرائم سازمان‌یافته مانند قاچاق انسان، تروریسم
 هردو کشور در زمینه قاچاق «مواد مخدر، دارو، انسان، کالا و مشروبات الکلی» آسیب‌پذیری

مشترک دارند که این آسیب‌پذیری بیشتر متوجه ایران است: قاچاق دارو از ایران به آذربایجان جریان دارد، بهای جانی و مالی مبارزه با مواد مخدر را ایران می‌پردازد و در نهایت اینکه آسیب‌پذیری ورود مشروبات الکلی از آذربایجان، متوجه ایران است. مبارزه با قاچاق ماهیان خاویاری نیز می‌تواند در برنامه همکاری‌های طرفین باشد. از آغاز استقلال آذربایجان تا سال ۱۳۸۶، در مجموع سه سند همکاری در خصوص مبارزه با مواد مخدر بین دو کشور به امضا رسیده است. پدیده تروریسم و گسترش آن در منطقه، می‌تواند عامل افزایش همگرایی ایران و آذربایجان باشد. در حالی که شبه‌نظامیان تروریستی داعش، بخش‌هایی از دو کشور عراق و سوریه را در اختیار گرفته‌اند، در اختیار گرفتن تجهیزات نظامی و جذب نیرو با اعلام اولین خلافت سنی، نشان می‌دهد که ایران و کشورهای همسایه‌اش موضوعات مشترکی برای گفت‌وگو به جای پرداخت به تفاوت‌هایشان دارند. در شرایط فعلی نیز همکاری‌هایی جهت بازداشت گروه‌های خرابکار و تروریست‌های تندرو وجود دارد. در حال حاضر حدود ۵۰۰ آذری توسط تروریست‌های داغستانی جذب شده و در سوریه می‌جنگند (سلطانی، ۱۳۹۴: ۹۸). گسترش گرایش اتباع دو کشور به گروه‌های تروریستی در نتیجه اشاعه تفکرات وهابی، به افزایش همکاری دولت‌های ایران و آذربایجان منجر خواهد شد.

پ- استفاده از روابط مطلوب با ارمنستان به‌عنوان یک اهرم فشار سیاسی در برابر آذربایجان و نخجوان

مناسبات ایران ارمنستان در زمینه‌های مختلف صورت می‌گیرد. این مناسبات بیشتر به نفع طرف ارمنی است و تهران امتیازات لازم را دریافت نمی‌کند. گرچه برخی از کارشناسان بیان می‌کنند که استفاده از لابی ارمنه در آمریکا، فواید زیادی برای ایران داشته است. تاکنون استفاده از این روابط از سوی ایران به عنوان اهرم فشاری بر آذربایجان نتیجه مثبتی برای تهران دربر نداشته است و با مدیریت بهینه‌ای که توسط باکو صورت گرفته، افکار عمومی در آذربایجان نسبت به روابط تهران-ایروان بسیار منفی شده است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۲). بحث پیرامون رابطه ایران و ارمنستان از این جهت حائز اهمیت است که چگونگی و کیفیت این رابطه به‌عنوان متغیر منفی در روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران نگریسته می‌شود. به علت وجود مسئله قره-باغ و اشغال بخش عمده‌ای از خاک آذربایجان توسط ارمنستان، رابطه ایران و ارمنستان در کانون توجهات مقامات آذری قرار دارد. آذری‌ها به هرگونه قرارداد همکاری ایران با ارمنستان حساس

بوده و دولت ایران را به روابط صمیمانه با دشمن آذربایجان (ارمنستان) متهم می‌کنند. جنگ ارمنستان و آذربایجان و روابط بین ایران و ارمنستان از عوامل موثر بر بی‌اعتمادی متقابل بین تهران و باکو بوده است (Atai, 2009: 122). این امر برای حضور بیشتر ایران در این منطقه از خاک آذربایجان مشکل‌ساز می‌شود. ضمن اینکه نوعی بدبینی نیز در میان مناطق آذری‌نشین ایران نیز نسبت به استفاده سیاسی از روابط مطلوب با ارمنستان علیه آذربایجان بوجود خواهد آورد.

ت- ملاقات‌های سیاسی در سطوح بالا بین دو طرف (ایران-آذربایجان و نخجوان)

در سال ۱۳۷۱ آقای حیدر علی‌اف رئیس وقت مجلس عالی جمهوری خودمختار نخجوان به تهران سفر کرد و در خصوص توسعه روابط کشورمان با این جمهوری خودمختار، مذاکرات مفصلی در تهران صورت گرفت. به دنبال این مذاکرات، در ۱۷ اسفند ۱۳۷۱ سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در جمهوری خودمختار نخجوان دایر شد و این نقطه شروع مناسبات سیاسی ایران با نخجوان آذربایجان بود (سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در نخجوان، ۱۳۹۵). از این تاریخ به بعد رفت و آمدهای زیادی در سطوح بالای سیاسی بین دو طرف انجام گرفت که مهمترین آنها اشاره می‌شود:

- سفر احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران به نخجوان در آذرماه ۱۳۸۴ به منظور شرکت در مراسم افتتاح پروژه انتقال گاز ایران به نخجوان.
- سفر طالب‌اف، رئیس مجلس عالی نخجوان به استان آذربایجان غربی در ۱۳۹۰ برای مذاکرات با هیئت‌های استانی در رابطه با ارتقای سطح مناسبات سیاسی و اقتصادی.
- سفر صالحی، وزیر امور خارجه ایران به نخجوان در اسفندماه ۱۳۹۰؛ شرکت در اجلاس سه جانبه ایران-ترکیه-آذربایجان (کریمی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).
- سفر معاون وزارت خارجه ایران به نخجوان در اسفندماه ۱۳۹۳.
- سفر وزیر اقتصاد و صنعت نخجوان در خردادماه ۱۳۹۳ به منطقه آزاد تجاری ارس در آذربایجان شرقی با هدف بررسی زمینه‌های توسعه مراودات اقتصادی، تجاری و صنعتی بین دو طرف.
- سفر الشاد علی‌اف، وزیر کشاورزی نخجوان در تاریخ خردادماه ۱۳۹۳ به استان آذربایجان غربی با هدف استفاده از ظرفیت‌های استان‌های مرزی جمهوری اسلامی ایران (سلطانی، ۱۳۹۴: ۹۸).

افزایش رفت و آمدها در سطوح بالای سیاسی علاوه بر ایجاد نزدیکی بیشتر بین دو طرف، منجر به گسترش همکاری‌ها در سایر ابعاد اقتصادی، فرهنگی و ... می‌شود. حضور مقامات نخجوان در مناسبت‌های سیاسی مهم ایران مانند سی و چهارمین و سی و پنجمین جشن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در سرکنسولگری ایران در نخجوان و متقابلاً حضور سفیر ایران در مناسبت‌های سیاسی مهم آذربایجان و نخجوان، پالس‌های مثبتی برای گسترش روابط دوجانبه محسوب می‌شوند.

ث- بررسی نفوذ سیاسی و اقتصادی- نظامی قدرت منطقه‌ای ترکیه در نخجوان و آذربایجان

نفوذ سیاسی

کشور ترکیه در حال حاضر به‌عنوان تنها متحد استراتژیک آذربایجان شناخته می‌شود و شاید تعبیر «یک ملت - دو دولت» که توسط «حیدرعلی‌اف» و هم‌اینک نیز توسط فرزندش «اله‌ام علی‌اف» به کار گرفته می‌شود، بهترین جمله در خصوص روابط باکو و آنکارا باشد. در مجموع ترکیه به دلایل متعددی، از جمله: ۱. پیوستگی قومی و زبانی و تلاش‌های پان‌ترکیستی؛ ۲. ممانعت از نفوذ ایران و روسیه؛ ۳. مشارکت در تولید نفت آذربایجان و انتقال آن از طریق خاک خود، نفوذ سیاسی گسترده‌ای در آذربایجان و نخجوان دارد (Cornel, 1999: 70). اما مهمترین عامل موثر در نفوذ سیاسی ترکیه در آذربایجان، موضع‌گیری این کشور در بحران قره‌باغ بود. ترکیه در بحران قره‌باغ رسماً به ارمنستان اعلام کرد، در صورتی روابط دیپلماتیک با این کشور برقرار می‌کند که اراضی اشغالی قره‌باغ را به آذربایجان برگرداند (زهرانی و فرجی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). ترکیه با این اقدام توانست به شدت در افکار عمومی و دولتمردان آذربایجان نفوذ کند. در حالی که مواضع ایران در ارتباط با بحران ذکر شده؛ چندان به نفع آذربایجان نبود.

نفوذ اقتصادی

ایجاد بنگاه‌های تجاری و مالی ترکیه در نخجوان، سبب سرازیر شدن سرمایه‌داران ترک به این منطقه بکر شده است. سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی ترکیه در معادن مس، آلومینیوم و نقره صورت گرفته است. ترک‌ها با وسایل نقلیه؛ مواد معدنی و با ارزش نخجوان را با پرداخت بهای ناچیز و کمترین هزینه، برداشت می‌کنند و در صورت برخورد با موانع قانونی و مرزبانان آذری با

کممک نمایندگان ترکیه در نخجوان، با پرداخت رشوه مسئله را حل می‌کنند (امیراحمدیان، ۱۳۸۲: ۳۲۷). امروزه هیچ بخش اقتصادی در آذربایجان وجود ندارد که ترکیه در آن سرمایه‌گذاری نکرده باشد. بیش از ۱۳۰۰ شرکت ترکیه‌ای در این کشور به ثبت رسیده و ترکیه نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار در آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده است. در سال ۲۰۱۴ میلادی بر اساس گزارش گمرک دولتی آذربایجان، ۴۹/۲۸ درصد حجم تجارت خارجی این کشور به ایتالیا، اندونزی، اسرائیل، ترکیه و آلمان اختصاص داشته است. بنابراین ترکیه یکی از ۵ شریک تجاری عمده آذربایجان محسوب می‌شود. در حالی که ایران حتی در بین ۳۰ کشور اول شریک تجاری آذربایجان نیز به چشم نمی‌خورد (سفارت ج.ا.ایران در باکو). کل حجم مالی مبادلات تجاری ایران و آذربایجان در سال ۲۰۱۴ میلادی ۵۰۲ میلیون دلار بوده است (گمرک ج.ا.ایران، ۱۳۹۳).

جدول ۴-۱: مقایسه وضعیت مبادلات تجاری ترکیه و ایران با آذربایجان طی سال ۲۰۱۴.

سال	واردات (میلیون دلار)	صادرات (میلیون دلار)	مبادلات تجاری ترکیه و ایران با آذربایجان (میلیون دلار)	شریک تجاری
۲۰۱۴ میلادی	۵۰۲	۱۲۸۶	۱۷۸۸	ترکیه
۲۰۱۴ میلادی	۲۲	۴۸۰	۵۰۲	ایران

جدول از نگارندگان

۱- نفوذ نظامی-امنیتی ترکیه در نخجوان و آذربایجان

«علی‌اف» و «اردوغان» در سال ۲۰۱۰ میلادی در استانبول تفاهم‌نامه تشکیل «شورای همکاری استراتژیک» امضا کرده‌اند که موجب ایجاد یک ساختار تعریف شده برای همکاری‌های نظامی-امنیتی دو جانبه می‌شود. برپایی رزمایش‌های نظامی مشترک و صادرات سلاح از دیگر محورهای همکاری‌های نظامی-امنیتی دو کشور می‌باشد. امضای تفاهم‌نامه در سال ۱۳۹۰ مبنی بر احداث پایگاه نظامی ترکیه در نخجوان، گام بلند ترکیه برای حضور نظامی در آذربایجان است. تفاهم‌نامه احداث این پایگاه همچنین نشان دهنده تمایل باکو به پیوند خوردن سرنوشت دفاعی خود به ترکیه در برابر تهدیدات احتمالی ارمنستان می‌باشد (Peace-ipsc, 25Aug 2010).

همچنین طرح ایجاد ارتش مشترک بین آذربایجان و ترکیه که مجلس ملی جمهوری آذربایجان آخرین مرحله بررسی ایجاد این ارتش را به پایان رساند (در سال ۱۳۹۱) و البته هنوز اجرایی نشده است؛ زمینه حضور نظامی بیشتر ترکیه در آذربایجان را فراهم خواهد کرد (Ccsi, 8 Aug 2013). روابط رو به فزاینده ترکیه با آذربایجان در بخش نظامی و احتمال احداث پایگاه

نظامی در کنار مرزهای ایران و ارمنستان در جمهوری نخجوان، می‌تواند از یک سو به تقویت حضور این کشور در معادلات قفقاز منتهی شود و عملاً، نخجوان آذربایجان بیش از آنکه به ایران وابسته باشد به ترکیه پیوند می‌خورد.

گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین استان‌های مرزی شمال غربی ایران با نخجوان

تاکنون توافقنامه‌های متعددی بین جمهوری خودمختار نخجوان و استان‌های مرزی آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی ایران انجام گرفته است. این توافق‌ها در زمینه‌های متعدد کشاورزی و شیلات، صنعتی و فرهنگی بوده است. از سال ۱۹۹۶ به بعد؛ چهار تفاهم‌نامه در خصوص همکاری جمهوری خودمختار نخجوان با جمهوری اسلامی ایران، پنج تفاهم‌نامه در خصوص همکاری‌های اقتصادی جمهوری خودمختار نخجوان با استان آذربایجان شرقی ایران و پنج تفاهم‌نامه هم در خصوص همکاری اقتصادی و فرهنگی با استان آذربایجان غربی امضا شده است. موارد متعددی از تفاهم‌نامه‌های امضا شده میان دولت‌های ملی آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران، نیز به جمهوری خودمختار نخجوان مرتبط بوده است (سلطانی، ۱۳۹۴: ۹۹). گسترش این مراودات بین استان‌های مرزینشین ایران و نخجوان و افزایش سطح روابط اقتصادی و فرهنگی بین این مناطق، باعث وابستگی بیشتر این جمهوری به ایران خواهد شد.

همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان

ایران و جمهوری آذربایجان از سالیان متمادی در ارتباط با مسائل دفاعی و امنیتی، مناسبات روبه افزایشی داشتند و این روابط به دلیل ماهیت تعاملات منطقه‌ای از اهمیت بسیاری برخوردار است. شاخص‌های این تعاملات را می‌توان بحران قره‌باغ و اختلافات مرزی آذربایجان و ارمنستان، توسعه مناسبات دفاعی، مساله دریای خزر و جلوگیری از نظامی شدن این دریا، حضور ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و تحرکات آنها در حوزه نظامی و امنیتی، موضوع ایستگاه راداری قبله (در اختیار روسیه است) و ... دانست. حاکمیت فعلی آذربایجان به جهت تهدیداتی که از ناحیه مخالفان داخلی و خارجی خود احساس می‌کند، سعی در نزدیکی بیشتر به امریکا توسط اسرائیل دارند و این بزرگ‌ترین تغییری است که پس از دور شدن از تحت حاکمیت شوروی، در راهبرد دفاعی - امنیتی آذربایجان قابل بررسی است (Yunus, 2006: 7). امسال شانزدهمین سالگرد روابط منسجم دفاعی ایران و جمهوری آذربایجان است و از سال ۱۳۷۱ امضای سه سند همکاری امنیتی، از شاخص‌های مهم برقراری روابط امنیتی میان ۲ کشور بوده است

(خبرگزاری ایرنا، ۲۱ شهریور ۱۳۹۳). اما همانطور که اشاره شد همکاری‌های امنیتی نزدیک آذربایجان با آمریکا و اسرائیل، مانع جدی در برابر گسترش همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و آذربایجان می‌باشد.

وضعیت اجرای قانون لغو روادید بین ایران و نخجوان (آذربایجان)

ایران از اول فوریه ۲۰۱۰ و بر اساس قرارداد دو جانبه ۱۹۹۳ با آذربایجان در رابطه با لغو روادید، به صورت رسمی روادید اخذ ویزا برای شهروندان این کشور را به صورت یک‌طرفه لغو کرد و شهروندان نخجوانی می‌توانند در صورت محرز شدن سلامت و نداشتن بیماری‌های مسری و صعب‌العلاج، به مدت ۱۵ روز در ایران اقامت داشته باشند.

البته برای ورود توریست‌های ایرانی به آذربایجان مشکلات زیادی وجود دارد که مهمترین آنها عدم ثبات در اجرای قانون لغو روادید برای اتباع ایرانی در زمان‌های مختلف و لغو قرارداد عدم نیاز به ویزا در ۲۰۱۳ برای اتباع ایران از سوی دولت آذربایجان است که دلیل این اقدام، کنترل بیشتر ورود مواد مخدر از ایران به این کشور اعلام شد. اما در جریان نهمین کمیسیون اقتصادی دو کشور در ۱۳۹۳ در باکو، مقرر شد آذربایجان برای توریست‌های ایرانی، فقط برای ورود به نخجوان، در دو گذرگاه مرزی پلدشت و جلفا روادید صادر کند اما برای خاک اصلی آذربایجان احتیاج به تهیه ویزا خواهد بود (سرکنسولگری ایران در نخجوان، ۱۳۹۴). آذربایجان در مورد لغو روادید برای شهروندان ایرانی برای سفر به نخجوان همواره با فشارهای کشور ترکیه مواجه است که خواهان واگذاری چنین امتیازی به شهروندان ترک نیز می‌باشد و یکی از دلایل عدم ثبات در طرف آذری در اجرای قانون یاد شده، ناشی از همین موضوع می‌باشد. تجربه موفق کشورهای که این اقدام (لغو روادید) را انجام داده‌اند، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که فرصت‌ها و منافع لغو روادید، بسیار بیشتر از مضرات و تهدیدات آن خصوصا در بخش تجارت و بویژه در حوزه فرهنگی بین ایران و نخجوان خواهد شد.

نقش قومیت‌گرایی و پان‌آدریسم در مناسبات سیاسی - امنیتی ایران و نخجوان (آذربایجان)

آذری‌نشین بودن بخش شمال‌غربی ایران باعث شده تا پان‌آدریسم و قومیت‌گرایی در روابط بین این کشور با نخجوان و آذربایجان بسیار تاثیرگذار باشد. البته این عامل بیشتر از ناحیه طرف

آذری مطرح می‌شود.

هویت قومی و ملی متضاد ایران و نخجوان و آذربایجان به درازای تاریخ می‌رسد. شاهنامه، نماد فرهنگ ایرانی، ایران و توران را بزرگترین دشمنان هم معرفی می‌کند. آذری‌ها خود را بواسطه جنبش پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم، بخشی از ملت ترک می‌دانند. البته این نگرش بیشتر در سطح کارگزاران دولتی آذربایجان وجود دارد تا عامه مردم این کشور (بیات، ۱۳۸۸: ۱۳۸). وجود گرایش‌های پان‌آدریسم بویژه در آذربایجان و با تحریک شدید ترکیه، عاملی بازدارنده و منفی در توسعه روابط دوجانبه ایران- آذربایجان است. بنا بر این مفهوم؛ ساکنان مناطق آذربایجان ایران ترک بوده و باید به آذربایجان شمالی ملحق شوند (3: Nassibu, 2012). تبلیغات شدید مبتنی بر اندیشه پان‌آدریسم که لزوم اتحاد تمام آذری‌زبانان را مطرح می‌کند، همراه با ساختن تصویری از جمهوری اسلامی که با برتر انگاشتن فارس‌ها، حقوق ترک‌ها را پایمال کرده است، باعث شده تا همواره موج اتهامات نسبت به ایران مطرح شود. در برخی از کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان، (کتاب تاریخ مقطع پنجم دبستان)، نقشه جمهوری آذربایجان قسمت‌هایی از ایران شامل استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، همدان، قزوین، زنجان و گیلان را در بر می‌گیرد، ایران چنین اقدامی را تلاش آذربایجان برای تحریک احساسات قومی ساکنان شمال - غرب خود علیه حکومت مرکزی می‌پندارد.

دولت آذربایجان روز ۳۱ دسامبر هر سال را به‌عنوان روز وحدت آذری‌های جهان تعطیل رسمی اعلام کرده است و بعضاً بودجه‌هایی را برای پیشبرد اهداف قوم‌گرایانه اختصاص می‌دهد که بعنوان نمونه در بودجه سال ۲۰۰۱ خود مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ دلار برای پشتیبانی از مراکز آذربایجانی‌ها در جهان پیش‌بینی کرد که شامل حمایت از فعالان آذری زبان ایرانی جدایی‌طلب نیز می‌شد (کولایی، ۱۳۸۹: ۹۱). در اقدامی دیگر، علی‌اف رییس جمهور آذربایجان، یکی از مهمترین فعالیت‌های خود را تشکیل «دولت واحد آذربایجان»، متشکل از آذری‌های کشورهای همسایه برمی‌شمارد و در مقابل، ایران نسبت به هرگونه حرکت در رابطه با وحدت ترک‌های جهان حساس بوده و آن را در مورد تمامیت ارضی خود نوعی اقدام خصمانه تلقی می‌کنند (Gilles, 2008: 45). به طور کلی، قومیت‌گرایی و پان‌ترکیسم، به‌عنوان اهرم فشاری (حداقل در عرصه سیاسی و نه در عرصه عمل) علیه ایران عمل کرده است و مقامات ایرانی نگران تاثیر این مسئله بر اقلیت بزرگ آذری‌زبانان خود در نواحی هم‌مرز با جمهوری آذربایجان هستند. با توجه به نقش پان‌آدریسم در ارائه تصویری منفی از ایران در بین افکار عمومی نخجوان و آذربایجان،

تلاش برای مقابله با آثار سوء این اندیشه‌ها برای ایران در رابطه با نخجوان و آذربایجان با اهمیت تلقی می‌شود.

یافته‌های پرسشنامه‌ای

مشخصات جامعه آماری

جامعه آماری مرتبط با موضوع این پژوهش، همگی دارای سطح تحصیلات دکتری و از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های «تهران»، «شهید بهشتی»، «علوم و تحقیقات»، «فردوسی مشهد»، «تربیت مدرس» در رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی هستند. لازم به ذکر است که تعداد کل جامعه آماری که دارای تخصص در زمینه مسائل قفقاز و جمهوری آذربایجان بوده‌اند، ۳۴ نفر می‌باشند و در این بین، تعداد ۷ نفر بدلالی، از ارائه پاسخ به پرسشنامه خودداری کرده‌اند.

جدول ۳: فراوانی جامعه آماری

فراوانی	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	N
۱۱	دکتری	جغرافیای سیاسی	۲۷
۹	دکتری	علوم سیاسی	۲۷
۷	دکتری	روابط بین‌الملل	۲۷

روایی و پایایی پرسشنامه

در این تحقیق، روایی پرسشنامه با پوشش کامل مبانی نظری و هم‌چنین نظرات اساتید متخصص در زمینه روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت روایی محتوایی و ساختاری آن مورد تأیید قرار گرفت.

در رابطه با پایایی پرسشنامه، یکی از روش‌های محاسبه پایایی، ضریب آلفای کرونباخ است. چنانچه ضریب آلفای کرونباخ برای یک مقیاس بیش از ۰/۷ محاسبه گردد، پایایی آن مقیاس مطلوب ارزیابی می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۷۶۶ محاسبه شد که بالاتر از ۰/۷ است؛ بنابراین پایایی پرسشنامه مطلوب ارزیابی گردیده است.

آزمون نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون «شاپیرو-ویلک»^۱

در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است، در سطح خطای ۵٪ آزمون می‌شود؛ بنابراین اگر مقدار معناداری بزرگ‌تر مساوی ۵٪ باشد، توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود.

جدول ۴: آزمون نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون «شاپیرو - ویلک».

معناداری	N	(شاپیرو - ویلک)	بعد مورد بررسی
۰.۱۹۷	۲۷	۰.۹۴۸	بعد سیاسی-امنیتی

همان‌طور که مشاهده می‌شود سطح معناداری در بعد سیاسی-امنیتی بالاتر از ۵٪ است، بنابراین داده‌ها طبق آزمون شاپیرو-ویلک، نرمال هستند.

میزان تاثیر پارامترهای سیاسی-امنیتی در افزایش وابستگی نخجوان به ایران

در رابطه با پارامترهای سیاسی-امنیتی، میزان تاثیر هر کدام از متغیرها و پاسخ‌های ارائه شده توسط پرسش‌شوندگان در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: میانگین و میزان تاثیر متغیرهای سیاسی و امنیتی بر افزایش سطح وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران

ردیف	گویه	میزان تاثیر بعد مربوطه					میانگین
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۱	تلاش‌های سیاسی برای کاهش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای در آذربایجان (نخجوان)، بویژه ترکیه	۱۳	۱۲	۰	۲	۰	۴.۳۳
۲	استفاده از روابط مطلوب با ارمنستان بعنوان یک اهرم سیاسی	۷	۹	۵	۵	۱	۳.۲۲
۳	ایجاد و گسترش همکاری‌های دفاعی-امنیتی	۵	۱۰	۸	۲	۲	۳.۴۸
۴	گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین استان‌های مرزی شمال‌غربی با نخجوان	۱۶	۶	۵	۰	۰	۴.۴۰
۵	همکاری‌های مشترک در رابطه با جرائم سازمان یافته مانند قاچاق انسان، تروریسم	۲	۴	۷	۴	۱۰	۲.۴۰

۴.۰۶	۱	۰	۲	۱۴	۱۰	فراوانی	استفاده از اشتراکات مذهبی به عنوان یک عامل سیاسی در افزایش وابستگی نخجوان به ایران	۶
۳.۹۸	۴	۲	۱	۱۱	۹	فراوانی	اجرای قانون لغو روادید بین ایران و نخجوان (آذربایجان)	۷
۳.۷۸	۶	۴	۲	۷	۸	فراوانی	استفاده از نقش قومیت‌گرایی بعنوان عاملی سیاسی در مناسبات دوجانبه ایران و نخجوان (آذربایجان)	۸
۳.۹۲	۲	۱	۶	۶	۱۲	فراوانی	ملاقات‌های سیاسی در سطوح بالا بین دو طرف (ایران-آذربایجان و نخجوان)	۹
میانگین کلی: ۳.۷۴								

اولویت‌بندی پارامترهای موثر در بعد سیاسی - امنیتی

با توجه به نتایج بدست آمده، در بین متغیرهای سیاسی - امنیتی؛ گسترش همکاری‌های منطقه‌ای استان‌های مرزی ایران با نخجوان دارای بیشترین رتبه‌میانگین و همکاری در ارتباط با جرائم سازمان‌یافته دارای کمترین اهمیت بوده‌اند.

جدول ۶: اولویت‌بندی متغیرهای موثر در بعد سیاسی - امنیتی براساس بیشترین «رتبه میانگین» بدست آمده از آزمون فریدمن.

رتبه میانگین	متغیر	اولویت
۴.۴۰	گسترش همکاری‌های منطقه‌ای بین استان‌های مرزی شمال‌غربی ایران با نخجوان	۱
۴.۳۳	تلاش‌های سیاسی به منظور کاهش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای در آذربایجان (نخجوان)، بویژه ترکیه	۲
۴.۰۶	استفاده از اشتراکات مذهبی به عنوان یک عامل سیاسی در افزایش وابستگی نخجوان به ایران	۳
۳.۹۸	اجرای قانون لغو روادید بین ایران و نخجوان (آذربایجان)	۴
۳.۹۲	ملاقات‌های سیاسی در سطوح بالا بین دو طرف (ایران-آذربایجان و نخجوان).	۵

۳.۷۸	استفاده از نقش قومیت‌گرایی بعنوان عاملی سیاسی در مناسبات دوجانبه ایران و نخجوان (آذربایجان).	۶
۳.۴۸	ایجاد و گسترش همکاری‌های دفاعی - امنیتی	۷
۳.۲۲	استفاده از روابط مطلوب با ارمنستان بعنوان یک اهرم فشار سیاسی	۸
۲.۴۰	همکاری مشترک در رابطه با جرائم سازمان‌یافته مانند قاچاق انسان، تروریسم	۹

نتیجه‌گیری

الف: تحلیل کمی (نتایج حاصل از پرسشنامه)

با توجه به نتایج بدست آمده از بخش پرسشنامه‌ای و نظرات کارشناسان، افزایش همکاری‌های منطقه‌ای بین استان‌های شمال غربی ایران با نخجوان بیشترین رتبه‌میانگین را کسب کرده و به تبع، بیشترین تاثیر را در بین متغیرهای سیاسی - امنیتی به خود اختصاص داده که به نظر می‌رسد در حال حاضر و با وجود همه اشتراکات زبانی، قومی و مذهبی بین دو سوی ارس، با وجود تنها ۱۴ توافقنامه، چندان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. در رتبه بعدی موثرترین متغیرها، تلاش برای کاهش نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای در نخجوان قرار دارد اما با وجود نفوذ سازمان‌یافته اقتصادی - سیاسی ترکیه در این منطقه، کار بسیار دشواری به نظر می‌رسد. بهره‌گیری از اشتراکات مذهبی به‌عنوان عاملی سیاسی که سومین متغیر موثر سیاسی - امنیتی از نگاه کارشناسان موضوع بوده است، به دلیل حاکمیت طولانی‌مدت کمونیسم و تاثیرات منفی آن و ساختار سیاسی لائیک آذربایجان و همچنین اصل کلی ساخت اسلام‌گرای ایرانی در برابر ساختار سکولار آذربایجان، ضمن ایجاد واگرایی، نتوانسته این مولفه را در عمل، به‌عنوان عاملی موثر در افزایش نفوذ ایران در نخجوان تبدیل کند.

ب: تحلیل کیفی

عدم پیوستگی جغرافیایی آذربایجان و نبود امکان برقراری ارتباط زمینی با واحد برون‌نگان خود (نخجوان)، از بزرگترین مشکلات استراتژیکی این کشور می‌باشد و از آنجا که آذربایجان در شرایط خصمانه با ارمنستان قرار دارد و دورنمای روشنی از بهبود روابط با آن کشور در آینده‌ای نزدیک مشاهده نمی‌شود، استفاده از موقعیت جغرافیایی برون‌بوم جمهوری نخجوان، می‌تواند کمک قابل توجهی بر تعادل‌بخشی و بهبود روابط دو کشور ایران و آذربایجان داشته باشد و

افزایش وابستگی ژئوپلیتیکی نخجوان به ایران از منظر سیاسی - امنیتی باعث می‌شود تا در مواقع لزوم، رسیدن به هدف فوق را برای ایران میسر سازد.

در رابطه با پارامترهای مورد پژوهش، بهبود و تشویق مردمان مناطق شمال غربی کشور برای گسترش ارتباطات با نخجوان و آذربایجان و بهبود خدمات درمانی - پزشکی برای طرف آذری در مراکز درمانی تبریز و ارومیه و اجرای مستمر قانون روادید برای اتباع طرف مقابل توسط ایران؛ از اقدامات لازم برای افزایش مراودات بین دو سوی ارس می‌توانند باشند.

در ارتباط با اشتراکات زبانی و قومیت‌گرایی، با وجود همگرایی عمومی بین مردمان دو سوی مرز ایران و نخجوان، مطرح شدن مسائلی مانند آذربایجان بزرگ و... مانع بزرگی برای استفاده ایران از این مولفه در روابط خود با منطقه خودمختار نخجوان بوده است.

تلاش برای کاهش نفوذ سیاسی ترکیه در آذربایجان و نخجوان، در حله نخست، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های عمده اقتصادی، افزایش همکاری‌های امنیتی و بهبود روابط سیاسی و جهت‌گیری مثبت در ارتباط با قره‌باغ از سوی ایران است و هرگونه تلاش برای استفاده از روابط مطلوب با ارمنستان، تاثیری معکوس در بهبود روابط با آذربایجان خواهد داشت.

بطور کلی، ماهیت مناسبات سیاسی - امنیتی ایران، نخجوان و آذربایجان، نشان می‌دهد تاکنون ایران موفق نشده است منافع راهبردی خود را بر محور وابستگی ژئوپلیتیکی گسترش دهد. در واقع روند مناسبات سیاسی - امنیتی ایران با نخجوان، درگیر موانع مهم ژئوپلیتیکی می‌باشد. موانعی مانند رویکردهای ناسیونالیستی آذربایجان، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، تبعات بحران قره‌باغ و مهمتر از همه تفاوت‌های ساختاری دو سوی ارس، مهمترین آنها هستند. ذهنیت خصومت‌آمیز ژئوپلیتیکی ناشی از عوامل فوق در نگرش ملی تهران - باکو (عمدتاً تفاوت‌های ساختاری و تنش‌های ناشی از آن)، روابط ایران - نخجوان را نیز در بعد سیاسی - امنیتی متأثر ساخته است.

از آنجا که مانع موثر بر نفوذ سیاسی - اقتصادی ایران در جمهوری آذربایجان و نخجوان، تفاوت‌های ساختاری بوده و تغییر این عامل و از میان بردن آن به شدت دشوار به نظر می‌رسد، لذا انتظار بروز تغییرات شگرف در میزان نفوذ ایران در جمهوری خودمختار نخجوان، خوش بینانه و یا لاقابل نیازمند پیمودن راه دشواری می‌باشد.

منابع

الف) فارسی

- احمدی پور، زهرا، کرمی، قاسم و قنبری، قاسم، (۱۳۹۰)، *سازماندهی سیاسی فضا*، چاپ نخست، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ارجمند، محمدجعفر، رضازاده، حبیب و حضرت پور، سعیده، (۱۳۹۳)، «بررسی علل سردی روابط ایران و آذربایجان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، شماره ۱.
- افضل‌لی، رسول، متقی، افشین، رشیدی، مصطفی، (۱۳۹۱)، «تحلیل ساختار ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد جغرافیای برساخت‌گرایی»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، تابستان، شماره ۸۰.
- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۲)، *جمهوری آذربایجان*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- بیات، مسعود، (۱۳۸۸)، «نقش ژئوپلیتیکی قفقاز در تعیین یکسان مرزهای هویتی ایران با انیران در شمال غرب»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۱۴، دوره ۵.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ موسوی فر، رحمت ا...، (۱۳۸۹)، *منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز*، چاپ نخست، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جوادی، محمدجعفر و رضازاده، حبیب، (۱۳۹۰)، «آسیب‌شناسی مواضع ج.ا.ا نسبت به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از منظر ساختار-کارگزار»، *سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۲.
- ذکی، یاشار و ولیقلیزاده، علی، (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل موانع ژئوپلیتیکی مناسبات اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۳، شماره ۴۶.
- زهرانی، مصطفی، فرجی لوحه سرا، تیمور، (۱۳۹۲)، «منابع بین‌المللی تداوم بحران قره‌باغ»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، پاییز، شماره ۸۳.
- سایت اطلاع‌رسانی سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو.
- سلطانی، محسن، (۱۳۹۴)، *بررسی نقش موقعیت جغرافیایی برونگان جمهوری خودمختار نخجوان در مناسبات ژئوپلیتیکی ایران و جمهوری آذربایجان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- سلیمانی، افشار، (۱۳۹۰)، *نگاهی مقایسه‌ای به سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی*، تهران: مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- طالبی، سعید، (۱۳۹۲)، *روابط ایران و جمهوری آذربایجان، چالش‌ها و فرصت‌ها*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

- عباسی، مجید و نورمحمدی، مرتضی و محمدرضا، موسوی، (۱۳۹۱)، «تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر روابط با ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، پاییز، شماره ۱۲.

- عیسی‌نژاد، سید محمد و بشیریان، فاطمه، (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و آذربایجان»، مجموعه مقالات چهارمین همایش علمی جغرافیا، اردیبهشت ۹۱.

- فیروزی، مرتضی و سلطانی، محسن، (۱۳۹۳)، مفاهیم اساسی در جغرافیای سیاسی، سراب: سراب.

- کامران، حسن و متقی، افشین و رشیدی، مصطفی، (۱۳۹۰)، «حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، جغرافیا، دوره ۹، شماره ۲۸.

- کریمی، رضا، (۱۳۹۰)، تأثیر عامل ژئوپلیتیک جمهوری خودمختار نخجوان در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- کریمی‌پور، یدالله، (۱۳۹۴)، جغرافیا؛ نخست در خدمت صلح، نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان، تهران: انتخاب.

- کولایی، الهه و اصولی، قاسم، (۱۳۹۱)، «چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۵، شماره ۱۰.

- کولایی، الهه، (۱۳۸۹)، «ج.ا.ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار، شماره ۱.

- گمرک جمهوری اسلامی ایران، «آمار و ارقام تجارت خارجی ایران»، ۱۳۹۳.

- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۶)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، جلد ۱، تهران: سمت.
- موسوی، محمد و بهادرخانی، محمدرضا و موسوی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «تأثیر جایگاه خطوط لوله انرژی بر ژئوپلیتیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، زمستان، شماره ۸۰.

- ونت، الکساندر، (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.

ب- سایت های اینترنتی

- بانک جهانی. (22march,2015). بازیابی شده ۲۵ اردیبهشت، ۱۳۹۴، از:

[Http://www.worldbank.org](http://www.worldbank.org).

[Http://www.maps.google.com](http://www.maps.google.com).

- خبرگزاری ایرنا، (۱۳۹۳)، بازنمایی شده ۲۷ مهر ۱۳۹۵، از
<http://iran-newspaper.com/newspaper/page/5622/3/10645/0>
- مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، (۱۳۹۴)، بازنمایی شده ۲۷ مهر ۱۳۹۵، از
<http://www.Peace-ipsc.org>, 25Aug 2010.
- سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در نخجوان، (۱۳۹۴)، بازنمایی شده ۲۹ بهمن ۱۳۹۴، از
<Http://www.nakhchivan.mfa.ir/?siteid=192>.
- سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در نخجوان، (۱۳۹۵)، بازنمایی شده ۲۹ مهر ۱۳۹۵، از
[-nakhchivan.mfa.ir/index.aspx?siteid=192&pageid=8543](http://www.nakhchivan.mfa.ir/index.aspx?siteid=192&pageid=8543)

ج - انگلیسی

- Buris, Gregory, (2003), *Turkey-Israel: Speed Bumps, The Middle East Quarterly*, A New Security frame Work Analysis, Moscow , Lynn Rainier Boulder co.
- Geybullayeva, Arzu, (2012), "Is Azerbaijan Becoming A Hub of Radical Islam", *Turkish Policy Quarterly*, April, Vol 6, N.2.
- Gilles, RI ox, (2008), "The Formative Years of Azerbaijan Nationalism in Post-Revolutionary Iran", *Central Asian Survey*, March, Vol. 27, No 1.
- Guble, Paul, (2012), "Secular State Is Azerbaijan Choice", May 2012, Vol .54. No 1, <Http://ada.edo.az/biveecly/issues/Vo1.5, No10/20120601083249769.html.25/05/1391>.
- Atai, Farhad, (2009), "The Dynamics of Bilateral Relations in the South Caucasus: Iran and its North Neighbors", *Central Asia-Caucasus Institute Silk Road Program*, Volume 7, No. 3.
- Cafarli, Osman, (2014), "Azerbaijan Seeks Warmer Ties with Iran", *Eurasia Daily Monitor*, Vol.11. No. 2.
- Cornell, Svante, (2006), *The Politicization of Islam in Azerbaijan*, *Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program – Joint Transatlantic Research and Policy Center*, Natingham, University of Natingham.
- Cornell, Svante E, (1999), *The Nagorno karabakh Conflict*, *Department of Est European Studies*, Uppsala, Uppsala University.
- Linkalter, cd, (2000), *International Relation: Critical Concepts in political Science*, London, Routledge.
- Martirosyan, Tigran, (2009), *Iran and the Caucasus: keeping Balance in Volatility*, bako, Center of Caucasus: Publication.
- Nakhchivan, e. (2005), *Nakhchivan: Azerbaijan mille elmlar*, Nakhichevan,

akademiyasinin Nakhichevan bolmasi.

- Nasibu, Nasib, (2012). "Azerbaijan Iranian Relation: Past and Present", *Journal of Azerbaijan studies*, Julay, Vol 6. No.3.

- Onuf, N, (1989), *World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and international Relation*-, Colombia, university of South Carolina.

- Price, R.M.and Reus-smith, C, (1998), Dangerous Liaisons? Critical international Theory and Constructivism, *European Journal of International Relation*, March, Vol. 4, No. 3.

- Smith, Lillian, (1963), *Killers or Dreams*, New York, UEA of New York.

- Starr, Frederick and Svante, Cornell, (2005), *The Baku-Tbilisi-Ceyhan Pipeline: Oil Window to the West*, Washington DC. Central Asia – Caucasus Institute Silk Road Studies Program, Washington.

- Varun, Vira, & Fitzgerald, Erin, (2012), "The United States and Iran: Competition Involving Turkey and the South Caucasus", (*CSIS*) *Center for Strategic International Studies*. October, Vol. 12. No.3.

- Yunus, Arif, (2006), "Azerbaijan Between America and Iran", Russia, *Global Affairs*, September, Vol. 26. No.4.

- Zaman, Serhat, (2015), "The Concept of Border in Terms of Political Geography and the Border between Turkey and Nakhchivan", *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, February, Vol.15, No.2.

